

صالحی امیری خبر داد:

تصویب ۵ آیین نامه مشوق گردشگری در دولت



صالحی امیری با اعلام خبر تصویب ۵ آیین نامه مشوق گردشگری در دولت گفت: امیدواریم سال ۱۴۰۴ سال جهش در زیرساخت‌های گردشگری باشد. به گزارش ایلنا، رضا صالحی امیری در پایان جلسه هیات دولت با حضور در جمع خبرنگاران درباره مشوق های دولت در حوزه گردشگری گفت: درخصوص مسائل داخلی خوشبختانه ما ۱۵ آیین نامه را در دولت به تصویب رساندیم که پنج مشوق برای سرمایه گذاری در زیرساخت‌هاست و به توسعه زیر ساخت‌های گردشگری در ایران کمک می کند. وی ادامه داد: همه این ۱۵ آیین نامه منبعت از قانون برنامه هفتم است. یکی از این مشوق ها ساخت مجتمع‌های تریکبی است یعنی فردی می تواند علاوه بر اینکه هتل می سازد در آن ساختمان چند طبقه اداری و مسکونی و تجاری داشته باشد این مجتمع ها در دنیا مرسوم است اما در ایران انجام نشده است. این مصوبه قدم بزرگی برای توسعه زیرساخت های گردشگری و هتل در ایران است. صالحی امیری گفت: مجوز دیگر بحث محاسبه هزینه گاز است که عملا یک چهارم هزینه واقعی را هتل ها و مجتمع های گردشگری پرداخت می کنند، دولت ۵ مشوق را برای توسعه گردشگری کشور ایجاد کرد.

□□□

بیانیه صدها نویسنده جهان درباره «غزه»

۳۸۰ نویسنده و سازمان از جمله «زادی اسمیت»، «یان مک‌ایوان»، «ارسل تی دیویس»، «حنیف قریشی»، «فرانک کانرل-بویس» و «جرج مانیو»، نامه‌ای را امضا کرده‌اند که در آن آمده است: جنگ دولت اسرائیل در غزه، نسل کشی است و باید فوراً آتش بش اعلام شود. به گزارش «گاردین» در این نامه آمده است: «استفاده از واژه‌های «نسل کشی» یا «اقدامات نسل کشانه» برای توصیف آنچه در غزه رخ می دهد دیگر موضوع بحث میان کارشناسان حقوق بین الملل یا سازمان های حقوق بشری نیست.» در این نامه تأکید شده است که: «این نسل کشی همه را درگیر می کند. ما شاهد جنایات نسل کشی هستیم و با سکوت خود آن ها را تأیید نخواهیم کرد.» نویسندگان این نامه خواستار توزیع فوری و بدون مانع غذا و کمک های پزشکی در غزه از سوی سازمان ملل و آتش بسی هستند که «امنیت و عدالت را برای همه فلسطینی ها، تضمین کند». آن ها می گویند اگر دولت اسرائیل به درخواست ها برای آتش بس فوری گوش ندهد، باید تحریم هایی علیه آن اعمال شود.

□□□

رقابت «نوروز» در جشنواره کینولوب لهستان



فیلم سینمایی «نوروز» ساخته سهیل موفق در بخش مسابقه دهمین جشنواره بین المللی فیلم کودک و نوجوان لهستان به نمایش درمی آید و با ۱۱ اثر دیگر از کشورهای مختلف رقابت خواهد کرد. به گزارش دبیر خانه جشنواره کینولوب، این فیلم که ساخته یکی از اعضای سیغژ است، در ادامه حضورهای بین المللی خود، نماینده‌ای از سینمای کودک و نوجوان ایران در یکی از جشنواره های معتبر اروپایی خواهد بود. جشنواره «کینولوب» یکی از رویدادهای مهم و معتبر اروپا در حوزه سینمای کودک و نوجوان است که هر ساله در لهستان برگزار می شود. این جشنواره با تمرکز بر آثار خلاقانه و تأثیرگذار برای مخاطبان ۴ تا ۱۸ سال، میزبان هزاران کودک، نوجوان و خانواده‌های علاقمند به سینما است. در خلاصه داستان این فیلم آمده است: «نوروز در راه است، اما هر یمن در کمین نشسته تا بهار را نابود کند.» بازیگران این فیلم عبارتند از: علی نصیریان، شبنم مقدمی، مهدی هاشمی، افشین هاشمی، مهتاب ثروتی، سیاوش چراغی پور، علی بوراک جیلان، طاه‌ا شادی فر، سحر حسینی و علیرضا آرا. جشنواره بین المللی فیلم کودک و نوجوان «کینولوب» از ۲۳ تا ۲۸ خردادماه ۱۴۰۴ (۱۳ تا ۱۸ ژوئن ۲۰۲۵) در شهر ژسوف، لهستان برگزار خواهد شد.

□□□

بازگشایی خزانه جواهرات ملی از دهم خرداد



خزانه جواهرات ملی از روز شنبه (۱۰ خرداد ماه) برای بازدید عموم بازگشایی می شود و علاقه مندان می توانند در روزهای شنبه تا سه شنبه هر هفته (به استثنای روزهای تعطیل) از ساعت ۱۰ تا ۱۲ از این مجموعه بازدید کنند. به گزارش ایلنا، خزانه جواهرات ملی در تهران، میدان امام خمینی (ره)، خیابان فردوسی، نورسیده به چهارراه استانبول، نبش کوچه بانک مرکزی ساختمان بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران واقع شده است و این خزانه روزهای چهارشنبه تا جمعه و تعطیلات رسمی، تعطیل است. گفتنی است، گنجینه بی مانند «خزانه جواهرات ملی» مجموعه‌ای از گرانبهارترین جواهرات جهان است که طی قرون و اعصار بدین صورت فراهم آمده است. هر قطعه از این جواهرات، گویای بخشی از تاریخ پر فراز و نشیب ملت بزرگ ایران و مبسین ذوق و خلاقیت‌های هنری مردم این مرز و بوم است که خاطرات تلخ و شیرین شکست‌ها، پیروزی ها، غرور و خوندنمای ها و فر مانفرمایی همراه با زور و نخوت زمامداران گذشته را تداعی می کند. اهمیت جواهرات موجود در «خزانه جواهرات ملی» به ارزش اقتصادی آن محدود نمی گردد، بلکه نمایانگر ذوق و سلیقه صنعتگران و هنرمندان ایران در دوره‌های مختلف تاریخ و به عنوان میراث تاریخی، هنری، نماینده هنرهای مستظرفه کشور پهناور ما است. علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات تکمیلی درباره بازدید از این مجموعه می توانند به صفحه خزانه جواهرات ملی در تارنمای بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مراجعه کنند.



محمدحسن خدایی

در آخرین ماه فصل بهار، تئاتر کشور به روزهای پسر رونقی رسیده که در نوع خود جالب توجه است. گروه‌های مختلف تئاتری با سلیقه‌های متفاوت بر صحنه حضور دارند و برای تماشاگران حرفه‌ای تئاتر، اجراهایی با سبک و دغدغه‌هایی مملو از تکثر و تکرار را تدارک دیده‌اند. در این میان نسل جدید تئاتری با ذوق و علاقه، توانسته گوی سبقت را از باتجربه‌های بی‌انگیزه بر بایند و جان تازده‌ای به فضای عمومی هنر نمایش ببخشند. پس جای تعجب نخواهد بود که رژیم قدیم تئاتری با زبانشناسی تثبیت شده‌اش، به تدریج کنسار رود و اجراهایی با لحن و طعم و روایتندی‌های نو، عرصه نمادین را فتح کند و حرف تازه بزند. به واقع بازار تئاتری کشور نیاز به محصولات تازه دارد و از اجراهای ملالت‌بار قدیمی، خسته شده است.

جالب آن که پدران تئاتر مدتی می‌شود که احساس کرده‌اند تئاتر مدتی نتوانسته‌اند از این هراس دائمی، رهایی یابند. نتیجه این شکاف و جدال تازه، بر آمدن فضایی است نو که پر از امید و نگرانی بوده و می‌تواند همچون یک سیل ویرانگر عمل کرده و تمامی دستاوردهای قدمای تئاتر را از راه بر کند و جغرافیایی یکسره مجزا از تاریخ تئاتر معاصر ایران زمین تعریف کند. به دیگر سخن، قلمرو تئاتر ما با این نسل تازه که مسلح به مطالعات اجرا و شیوه‌های نوین دراماتوزی است، به قلمرو دایی از این جغرافیای هنری می‌بارد و رزیده و در ادامه کار، توانسته قلمرو گذاری کند. در این میان برپایی جشنواره‌های تئاتری در دانشگاه‌های کشور می‌تواند طلیعه محیطی تازه باشد که میل ندارد در جا بزند و زبانشناسی مضحکل قدیمی را مدام از طریق اجراهای کسالت‌بار، باز تولید کند. در این تضاد و تنازع تئاتری، تماشای اجراهایی که رنگ و بوی جوانی و آمانوریسم دارند و

فی المثل در جشنواره‌های دانشگاهی تئاتر بر صحنه آمده‌اند نشان از همان وضعیت آستانه‌ای است که می‌توان از یک فضای دانشجویی انتظار داشت و عرصه نمادین را بحرانی کرد.

اجراهایی که بدیل تئاتر بدنه محسوب شده و به مناسبات مسادی و حرفه‌ای آلوده نشده و همچنان پیشرو هستند. با این توضیحات کوتاه در باب وضعیت این روزهای هنر نمایش در ایران امروز، به اجرای نکراسف خواهیم پرداخت که این روزها بر صحنه است و توانسته حرفی تازه بزند.

مصطفی کوشکی بعد از مدت‌ها دوری از صحنه تئاتر، این شب‌ها در سالن استاد ناظرزاده کرمانی مجموعه ایران‌شهر، خوانشی تازه از «نکراسف» راژان پل سارتر را به مرحله تولید رسانده و به کمک گروه هممدل و جوان خویش، این فرصت را یافته که فضای سیاسی نمایشنامه را تاحدودی

کنار گذاشته و به کمدی موقعیت برسد. به هر حال نکراسف، یکی از کمدی‌های سیاسی پراهمیت ادبیات نمایشی جهان است و از یساد نبردها یم که چگونگی محمد رحمانیان سال‌ها پیش، توانست یک تئاتر تلویزیونی با کیفیت از این اثر ماندگار را در شبکه چهار سیما به نمایش درآورد و هنر نمایی زنده‌یاد احمد آقا‌لو را بار دیگر در فضای تئاتری جاودانه کند. مهدی کوشکی در مقام نویسنده و دراماتورژ، متنی خاصه از نمایشنامه سارتر تهیه کرده و در مدت زمانی نود دقیقه‌ای، روایتی فشرده از تقابل نظام شوروی با غرب سرمایه‌داری را در اوج جنگ سرد بازمیایی می‌کند. طراحی صحنه خلاقانه اجرا بر مدار یک صفحه چوبی متحرک شکل یافته

نگاهی بر نمایش «نکراسف»؛

فضای جنگ سیاسی در خدمت خلق کمدی موقعیت



که بنابر ضرورت کنش‌های اجرایی، بالا و پایین شده و صحنه‌های مختلف را رویت پذیر می‌کند. بازی بازیگران در خدمت واقعیت صحنه بوده و مبتنی است بر دلقک‌مایی و اغراق‌های کنترل شده. بازی‌ها با مهارت و دقت مثال زدن، هستی‌شناسی هر صحنه را بازتاب می‌دهد و سیاست کارگردان را عینیت می‌بخشد.

سیاسی قرن بیستمی فیلسوف فرانسوی را معاصر اینچا و اکنون ما می‌کند. از این منظر اجرای نکراسف کوشکی می‌تواند پیشنهاد خوبی برای سیاست اقتباس در فضای حرفه‌ای تئاتر باشد و بدیلی کاربردی در مقابل انبوهی خوانش‌های به اصطلاح وفادار ملال‌انگیز که ارزش افزوده‌ای ندارند و به نوعی اتلاف منابع محسوب می‌شوند. همکاری برادران کوشکی تا به اینجا، انتخاب خوبی به ارمان آورده و توانسته اندکی از اتمسفر سنگین اجراهای اقتباسی متکلفانه تئاتر بدنه را کاهش دهد. صد البته پرسش این خواهد بود که آیا این مولفه، می‌تواند درهایی بخش باشد؟ پاسخ روشنی در این زمینه وجود ندارد اما از قرائن این گونه برمی‌آید که مناسبات مادی تولید تئاتر به گروه‌های اجرایی اجازه نمی‌دهد که یک نمایشنامه را به شکل کامل به صحنه آورده و برای مثال در مدت زمان طولانی در مقابل تماشاگران اجرا کنند. در واقعیت امر، مناسبات تولید تئاتر به محدودیت‌هایی منجر شده که دراماتوزی متن را گریزناپذیر کرده و به خوانش‌هایی اولویت بخشیده که نسبت به حوصله و ذائقه تماشاگر طبقه

متوسطی مرکز نشین، بی توجه نباشد. نکراسف سارتر به‌طور فشرده به صحنه می‌آید و جلب نظر مخاطبان را مورد توجه قرار می‌دهد. بازی‌های اغراق‌شده، طراحی صحنه کمینه‌گرایانه و منعطف، به یک کمدی اجتماعی تماشایی میداند داده که بیش از سیاست، به مناسبات انسانی اهمیت می‌دهد.

از این جهت، با اثری مواجه هستیم که سبک‌بال به‌سوی «سطح» عزیمت می‌کند و توهم «عمق» ندارد. این سیاست اجرایی، این مسئله را گوشتزد می‌کند که در زمانه‌ای به‌سر می‌بریم که امکان رستگاری در سرعت است و از معناگرایی گریزان. امتناع از مفهوم گرایی و تکیه بر امکانات اجرایی یک متن دراماتوزی شده، نکراسف را شوخ‌طبعانه و تماشایی کرده و مخاطبان را با نمایشی سرحال مواجه کرده است که می‌توان به ملاقاتش رفت و کیفور شد. به هر حال در جایی که همه چیز به واسطه منطق گیشه، به‌امری مبادله‌پذیر بدل شده است می‌توان وضعیت کلی نمایش نکراسف را ذیل همین روح زمانه درک کرد که شستاب‌گرایانه و پر ابهام است. این که تئاتر سیاسی، این روزها از فرم رادیکال تهی شده و به رضایت مخاطب تقلیل یافته، تقصیر گروه‌های اجرایی نمی‌تواند باشد. مسئله اصلی بی‌شک نظام زبانشناسی و مناسبات مادی تولید این روزهای تئاتر است که سطحی بودن و شتاب را می‌طلبد و از هر نوع امر استعلایی گریزان است. نمایش نکراسف در این منطق پسامدرنیستی معنا می‌یابد و سیاست را خطاب می‌کند.



نگاهی به فیلم جدید مجیدرضا مصطفوی

«بی سروصدا» ی پرهیاهاو!



محمد تقی زاده

سومین فیلم مجیدرضا مصطفوی بعد از «آستigmat» و «نازهای نارس»، فیلم «بی سروصدا» بود که بر خلاف عنوانش اتفاقاً فیلم پر سروصدایی است! از فرامتن فیلم که شروع کنیم به توقیف، اعمال سانسور و حاشیه‌های نمایش فیلم باید اشاره کرد که سروصدای زیادی به پا کرد و آن را به یکی از فیلم‌های پر حاشیه این سال‌های سینمای ایران بدل کرد. خود فیلم و ساختار ماجراجویانه آن نیز که از سکانس اول و پرهیاهوی آن آغاز می‌شود دلالت بر سروصدا و اتفاقات زیادی دارد که بی‌سروصدا بودن واجد آن نیست. تنها، شخصیت اصلی فیلم است که قرار است بار این عنوان و تایتل اصلی فیلم را به دوش بکشد که در انتها به‌طور کاملاً واضح گفته می‌شود که سیامک بابازی پیمان معادی، مرد میان‌سال بی‌سروصدایی است که همی بی‌سروصدا بودن اوباعت سوء استفاده از او شده است. اینجا است که سازندگان می‌توانند مدعی شوند عنوانی متناسب با فیلم انتخاب کردند اما آیا این نوع ارجاع مستقیم، کوتاه و از طریق دیالوگ کلیت می‌کند که اسم یک فیلم به عنوان ویرترین اولیه آن بی‌سروصدا باشد؟

وارد داستان فیلم که می‌شویم با فضای ابد و یک روزی فیلم‌های سعید، روستایی و مغزهای کوچک زنگ‌زده هومن سیدی مواجه می‌شویم تا مشخص شود فیلم قرار است بار دیگر فضای درناک و رنجور طبقه فرودست و زاغه‌نشین را تصویر کند. ضمن اینکه انتخاب پیمان معادی در نقش اصلی این فیلم، بیش از فضاسازی اولیه، تداعی گر فیلم محبوب دهه ۹۰ مخاطبان سینمای ایران یعنی «ابد و یک روز» است و جزئیات ظاهری در شکل و شمایل سیامک و شل راه رفتن او نمی‌تواند شمایل پدر نضی اولیخانلوی آن فیلم را از ذهن



آن در آن بیابان لم‌یرز به مشتری نداشتن آن کاملاً منطبق می‌شود و مشخص نیست چرا مدیران سیرک تعجب کردند که چرا در آنجا مشتری ندارد! نقطه عطف دامداری و در دزد شدن الاغ‌ها خوب برگزار نمی‌شود مضافاً اینکه وقتی همه چیز سیامک از ماجرا باخبر بودند، بر برخی کنش‌های اطرافیان در این موقعیت خیلی واقعی به نظر نمی‌رسد. بازی‌های فیلم آن چنان چنگی به دل نمی‌زند و به نظر نمی‌رسد برای هیچ یک از بازیگران آن از پیمان معادی، هانیه توسلی و مهران غفوریان حضور در این پروژه، دستاوردی قابل اعتنا به شمار آید چرا که در بهترین حالت تکرار نقش‌های قبلی خود را باندکی جزئیات انجام دادند. پیمان معادی تکرار اید و یک روز، هانیه توسلی تکرار چند فیلم از جمله چرا گر یه نمی‌کنی و مهران غفوریان در این گونه نقش‌هایی که بدذاتی و شکار لانیزم دارد زیادی کلیشه شده‌است. برخی نمادگرایی‌های فیلم و ارجاعات سمبلیک فیلم نیز که قرار است وزن هنری آن را از نقادانه، به درام کمک نکرده است به‌طوری که برخی وجود الاغ را به عنوان حیوان و سوزده اصلی فیلم که از طرفی قرار است باعث رزق روزی خانواده سیامک شود و از سوی دیگر گوشت آن به‌طور قاچاقی برای مردم بی‌نوی طبقه فرودست استفاده می‌شود به مردمی توصیف شده که هر جالازم است از آنها استفاده می‌شود و هر جاکار برای آنها تمام شده، قربانی می‌شوند اما پرواضح است که این گونه برآشت‌های سمبلیک وقتی درام فیلم دچار مشکل باشد و شعارزدگی و کلیشه‌پردازی جای قصه‌گویی و شخصیت‌پردازی را گرفته باشد، تأثیری در پیشبرد داستان و همراهی مخاطب ندارد. در انتها باید گفت، «بی سروصدا» با وجود ادعای مستقل بودن، به‌شدت وابسته به کلیشه‌های سینمایی است. باوجود خلاقیت‌های بصری در انتخاب لوکیشن‌ها به‌شدت درگیر بازی‌ها و نقش‌های تکراری است و فضاسازی و تم‌های اخلاقی آن سینمای فرهادی، روستایی و سیدی را فریاد می‌زند.